

تحلیلی بر آیین قربانی میترا و نمادهای آن بر اساس آثار هنری

یوسف منصورزاده^۳، مینو بهفروزی^۲

^۱ استادیار مرکز آموزش عالی میراث فرهنگی، تهران، ایران.

^۲ کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه پیام نور شرق تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۱۰/۱۷، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۲/۱۲

چکیده

قربانی، یکی از معروف‌ترین مناسک دینی و مذهبی در طول تاریخ است که در اکثر ادیان، به شکلی برگزار می‌گردد. مناسک قربانی، اعمالی است که انسان با یک سلسله اعمال، هدایایی به پیشگاه خدایان تقدیم می‌نماید. قربانی گاو به دست میترا، مهم‌ترین نکته در آیین میترا است. این صحنه، در تمام عبادتگاه‌های کشف شده آیین میترا تکرار می‌شود. قربانی گاو، برای حاصلخیز نمودن زمین، برای اولین بار در تاریخ بشر در مکتب میترا متداول شد و بعدها به ادیان دیگر کشیده شد. پیروزی خیر، موضوع اساسی غالب نقش‌های مهری است. اصولاً کشتن گاو در میترائیسم، نماد آفرینش است. یعنی مرگ و رستاخیز؛ موضوعی که همه ساله تجدید می‌شود. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی است که هدف آن، تجزیه و تحلیل فلسفه قربانی در آیین میترا با توجه به آثار هنری به جای مانده در سرزمین‌های اروپایی است و نتیجه می‌گیرد که نقوش برجسته در صحنه‌های قربانی میترا بیانگر مفاهیم نجومی، تجسم کیهان، نجات و رستگاری انسان و برکت و تداوم حیات می‌باشد که همه و همه ناشی از تاملی عمیق بر پیچیدگی‌های ارتباط میان تمام موجودات است.

واژه‌های کلیدی

میترائیسم، میترای رومی، نقش برجسته، تاورکتونی، رستگاری.

مقدمه

خشنی دارد، توتم مقدس، با خشونت قربانی می‌شود؛ تا برکت از دست رفته به زندگی بازگردد. این عمل آیینی با ابزاری نمادین انجام می‌شود که خنجر و شمشیر یا گرز صد گره ایزدمهر است. حادثه قربانی گاو به دست میترا، مهم‌ترین نکته در آیین میترا است. این صحنه، در تمام عبادتگاه‌های کشف شده آیین میترا تکرار می‌شود. همه چیز با قربانی آغاز می‌شود. قربانی گاو، برای حاصلخیز نمودن زمین، برای اولین بار در تاریخ بشر در مکتب میترا متداول شد و بعدها به ادیان دیگر کشیده شد. پیروزی خیر، موضوع اساسی غالب نقش‌های مهری است. اصولاً در کشتن گاو، مساله آفرینش است، یعنی مرگ و رستاخیز؛ موضوعی که همه ساله تجدید می‌شود. نقش برجسته‌های متعددی از کشورهای اروپایی درباره تاورکتونی میترا به دست آمده است که فلسفه قربانی گاو توسط میترا با نمادهای مختلف که توسط پژوهشگران مورد تفسیر قرار گرفته است که عمدتاً بیانگر مفاهیم نجومی، تجسم کیهان و نجات و رستگاری انسان می‌باشد که همه و همه ناشی از تاملی عمیق بر پیچیدگی‌های ارتباط میان تمام موجودات است. در این مقاله کوشیده شده که فلسفه قربانی گاو توسط میترا که محور اصلی میترائیسم را تشکیل می‌دهد با تکیه بر آثار هنری موجود در موزه‌ها و نقش برجسته‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

قربانی، یکی از معروف‌ترین مناسک دینی و مذهبی در طول تاریخ است که در اکثر ادیان، وجود دارد. مناسک قربانی، اعمالی است که انسان با یک سلسله اعمال، هدایایی به پیشگاه خدایان تقدیم می‌نماید. در منابع دینی ایرانی، مرگ گاو، موجب زایش موجودات زنده است؛ بدین ترتیب مهر با کشتن گاو نر؛ چنانکه در تصویر دیده می‌شود، آفریننده موجودات زنده محسوب می‌شود. «اورمزد» به میترا پیام داد تا گاوی را قربانی کند، در اساطیر هند و ایرانی آمده است؛ آفرینش با قربانی آغاز می‌شود؛ که تخمه گیاهان و جانوران را در گیتی می‌پراکند و سرانجام نیز با قربانی گاو و شراب، زندگی جاوید به دست می‌آید. در کتاب بندهشن که شامل پیشگویی‌های پایان جهان است؛ آمده که اهورامزدا خدای بزرگ نیکی، قبل از آفریدن کیومرث «نخستین بشر»، گاوی آفرید، لشکریان بدی، چون خواستند آفرینش را از میان ببرند، بر گاو دست یافتند، اما از مغز گاو، انواع مختلف گاو، انواع غله، و انواع گیاهان طبی، پدید آمد. اهریمن می‌خواست بدی کند، میترا، بدی را به رهایی بشریت تبدیل کرد و خود را منجی خواند. در لایه کهن اسطوره مهری، کشتن گاو نخستین، نمادی از انقلاب ربیعی و نجات طبیعت از سرما و رسیدن به گرما و برکت بود. در این فرهنگ، که بستری دامداری داشته و روح مهاجر، سرکش و

صحنه قربانی گاو در منابع دینی و سنگ نگاره‌ها

نومی آفریند و این نکته در مرکز عقاید و اسرار باستانی است (امامی، ۱۳۸۸، ۸)؛ که از حیات، مرگ، رستاخیز، نشات می‌گیرد و مثال بارز آن، طبیعت است که هر سال تازه می‌گردد. دانه گندم را به زمین می‌سپارند و پس از چندی، خوشه‌های زرین درو می‌کنند (رضی، ۱۳۷۱، ۱۱)، کر^۲، آتیس^۳ و آدونیس^۴ همه ناپدید می‌شوند و دوباره حیات می‌یابند (فریزر، ۱۳۸۷، ۳۹۷ و ۵۲۷). در کتاب بندهشن که شامل پیشگویی‌های پایان جهان است؛ آمده که اهورامزدا خدای بزرگ نیکی، قبل از آفریدن کیومرث «نخستین بشر»، گاوی آفرید (عفیفی، ۱۳۷۴، ۶۲۸). لشکریان بدی، چون خواستند آفرینش را از میان ببرند بر گاو دست یافتند (شورتهاپ، ۱۳۸۷، ۸۵) اما از مغز گاو، انواع مختلف گاو، انواع غله، و انواع گیاهان طبی، پدید آمد. اهریمن می‌خواست بدی کند، میترا، بدی را به رهایی بشریت، تبدیل کرد و خود را منجی خواند.

نقش برجسته‌ای که در «نوبن هایم»،^۵ آلمان پیدا شده (تصویر ۱)، نشان می‌دهد که گاو وحشی چگونه مشغول چرا در علفزار است که ناگهان میترا او را می‌گیرد و بر دوش خود حمل می‌کند و به غاری می‌برد. پس از فرار گاو، مجدداً میترا او را می‌گیرد و بر دوش می‌اندازد و به غار می‌برد تا او را قربانی کند. در برخی از نقش برجسته‌ها، میترا

قربانی گاو، مهم‌ترین رسم دینی آیین مهری است و مراسم دیگری آن پیوسته است. در سنگ نگاره‌های مهرپرستی در اروپا، همواره میترا در حال کشتن گاو «تاورکتونی»^۱ نشان داده شده است (امامی، ۱۳۸۸، ۱۰). پژوهشگران بسیاری به واکاوی این آیین پر رمز و راز پرداخته‌اند. نخستین کسی که به پژوهش در این آیین پرداخت، «فرانتس گومون» بود (گاریس، ۱۳۸۸، ۷۰) و پس از او «مارتین ورمازرن» قرار دارد. در منابع دینی ایرانی، مرگ گاو، موجب زایش موجودات زنده است؛ بدین ترتیب مهر با کشتن گاو نر؛ چنانکه در تصویر دیده می‌شود، آفریننده موجودات زنده محسوب می‌شود. «اورمزد» به میترا پیام داد تا گاوی را قربانی کند (عفیفی، ۱۳۷۴، ۶۲۷)، لذا در این آیین، قربانی گاو، از مهم‌ترین مناسک دینی به شمار می‌رود (بیتس، ۱۳۷۵، ۶۷۷). با تکیه بر تصاویر سنگ‌نگاره‌های «کول فرخ» در «ایلام نو» می‌توان به اهمیت قربانی گاو پی برد (شفیع، ۱۳۸۷، ۱). همان‌گونه که در اساطیر هندو ایرانی آمده است؛ آفرینش با قربانی آغاز می‌شود که تخمه گیاهان و جانوران را در گیتی می‌پراکند و سرانجام نیز با قربانی گاو و شراب، زندگی جاوید، به دست می‌آید (ریگ ودا، ۱۳۴۸، ۱۸۵) و (اویانیشاد، ۱۳۶۸، ۵۳۸). فدییه گاو، نماد امر آفرینش است؛ مرگ گاو، حیاتی

قربانی گاو، برای حاصلخیز نمودن زمین، برای اولین بار در تاریخ بشر در مکتب میترا متداول شد و بعدها به ادیان دیگر کشیده شد. پیروزی خیر، موضوع اساسی غالب نقش‌های مهری است. اصولاً در کشتن گاو، مساله آفرینش است، یعنی مرگ و رستاخیز؛ موضوعی که همه ساله تجدید می‌شود. اولین کسی که صحنه کشتن گاو را نگاشت؛ «استاتوس» شاعر رومی بود که در کتاب خود به نام تبتائیس در سده نخست میلادی، نبرد میترا و گاو را، سمبل رنج‌هایی میداند که انسان بر زمین تحمل می‌کند و کشاندن گاو در جاده‌ای پرمناح را سمبل آزمایش‌های سختی می‌داند که خدایان بر انسان‌ها روا می‌دارند (شورتهایم، ۱۳۸۷، ۸۴) (گاریس، ۱۳۸۸، ۶۹). اولین نبرد مهر با خورشید انجام شد که پس از چند روز، خورشید قدرت او را ستود. نبرد دوم مهر با گاو اهریمنی به نام (اوکدت) بود که از جانب اهریمن، برای خوردن تمامی سبزه‌های روی زمین و محو نمودن حیات فرستاده شده بود؛ و مهر از جانب خداوند، مامور نابودیش شد. در همه غارها و معابد مهری خارج از ایران، جایگاهی موسوم به مهرابه در نظر گرفته شده بود که نقش گاوکشی مهر را در خود داشت. چنانکه در تصویر ۹ دیده می‌شود (گاریس، ۱۳۸۸، ۷۰) (رضی، ۱۳۷۱، ۸۸). تقدس گاو در افکار ملل هند و اروپایی و آسیای صغیر و آشوری، بیانگر این واقعیت است که گاو در روزگار کهن، به عنوان تجلی قدسی خدای زایاننده و مظهر آثار جوی (خدای جومین) پرستیده می‌شده است (جلالی نایینی، ۱۳۷۵، ۷۹-۸۰) و حتی مردم به

سوار گاو می‌شود و شاخ‌هایش را به دست می‌گیرد و به سمت غار می‌برد. میترا، زانوی چپ خود را روی پشت گاو قرار داده، پره‌های بینی گاو را با دست چپ بالا می‌کشد و با دست راست، خنجری به پهلوئی جانور می‌زند، نگاه میترا به ندرت به سمت جلو است و بیشتر به بالا و اندکی به سمت عقب است. ظاهراً او از راه ورودی غار، چشم به خورشید دوخته که فرمان قربانی گاو را صادر کرده است. عمل قربانی، معمولاً در غاری انجام می‌گیرد و گاو پس از تشنج بسیار، جان می‌دهد (زمردی، ۱۳۸۵، ۴۴۷). در محراب «کلیسای سنت پرسیک» همین نقش آمده، ولی روی آن را پوششی از سنگ سیاه کشیده‌اند، تا توهم غار ایجاد کند. تزئین حاشیه غار به وسیله گل و گیاه انجام می‌گرفت که گویای شگفت‌انگیز عمل قربانی بود (ورمازن، ۱۳۸۱، ۸۲-۸۵). روی حاشیه غار، پیکر ایزد خورشید «سل» و ایزد ماه «لونا» در میان آن تصاویر گاه خدایان گوناگون، دیده می‌شود که نمونه‌ای از آن در «بولونی» ایتالیاست. چنانکه در تصویر ۲ دیده می‌شود، غار، نماد آسمان، طاق آبی آسمان و به عبارت دیگر کل کائنات است (زمردی، ۱۳۸۵، ۱۹).

قربانی گاو و آیین میترای رومی

حادثه قربانی گاو، به دست میترا، مهم‌ترین نکته در آیین میترا است. این صحنه، در تمام عبادتگاه‌های کشف شده آیین میترا تکرار می‌شود. همه چیز با قربانی آغاز می‌شود.



تصویر ۱- نقش برجسته میترا کشف شده از غاری در نزدیکی نوین‌هایم در نزدیکی هایدلبرگ آلمان که در سال ۱۸۳۸ میلادی که توسط کارگران در ساختن خانه مزرعه ای استفاده شده بود. در این نقش برجسته، ضمن نمایش تاورکتونی، در حاشیه آن چگونگی انتقال گاو توسط میترا به غار به تصویر کشیده شده است. ماخذ: (https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Neuenheimer_Mithraeum.jpg)

قربانی گاو، بخشوده شدن گناهان، تطهیر بدن به واسطه خونی که از گاو نر قربانی شده روان می‌شود، بود. گاو نر، به عنوان نماینده روح غله در اکثر نقاط جهان ظاهر می‌شود (وارنر، ۱۳۸۹، ۵۰۷). در این اسطوره، وقتی گاو به حالت تشنج ناشی از احتضار افتاد، خون از بدنش جاری می‌شود و گندم‌ها را آبیاری می‌کند. برکت روح غله، در تجسم حیوانی، در دم حیوان، قرار دارد، این مفهوم در دین میتراپی به عیان دیده می‌شود؛ در برخی آثار، دم گاو به سه ساقه غله ختم می‌شود و در یکی از تصاویر، ساقه‌های غله به جای خون از زخم خنجر بیرون زده است. این گونه آثار حاکی از آن است که یک جنبه از روح، مظهر غله را دارد. دم گاو، مرکز نیرومندی و حرکت است و خواص اسرارآمیز دارد. پیروزی خیر در زندگی، به وسیله آن محقق می‌شود. یکی از مشعل داران چنانکه خواهد آمد، می‌خواهد از این نیرو سهمی بیابد. در این صحنه اصلی، نقوش و اجزای دیگری نیز به چشم می‌خورد. از جایی که میترا خنجر فرو برده و خون جریان یافته، یک سگ و یک مار سربلند کرده‌اند تا خون را بلیسند؛ از آن خون، مار تمایل خود را برای باروری اعلام می‌کند (شورتهایم، ۱۳۸۷، ۹۲). مرگ گاو با خجستگی و فره‌بخشی دنیا، و گشایش احوال انسان مرتبط است. زندگی، از گاو زاده می‌شود.

مهری‌ها سخت معتقد بودند که استعمال گوشت و خون گاو موجب حیاتی نوین می‌شود، درست به همان سیاق که حیاتی نو از خون گاو می‌جهد. گوشت و خون گاو نه تنها نیروی جسمانی می‌دهند بلکه روان را تصفیه می‌کنند و به هنگام رستاخیز در فروغ ابدی، اثر مفیدی دارند. برخی از محققان مثل کریستن سن و لوازی، از این ملاحظات نتیجه گرفته‌اند که میترا می‌خواسته با گاو وحدت عرفانی برقرار کند (ورمازن، ۱۳۸۱، ۱۲۳).

حالات میترا در صحنه های قربانی

تصویر ۳، حالات میترا را به کامل‌ترین وجه نشان می‌دهد. میتراپرستان، صحنه کشتن گاو را همیشه در محراب و مرکز



تصویر ۳- نقش برجسته حالات میترا در صحنه قربانی گاو در موزه بریتانیا. ماخذ: (Cumont, 1903, 22)

آن سوگند یاد می‌کرده‌اند (الیاده، ۱۳۸۵، ۹۷). حرمت کشتن گاو نیز، به همین تقدس گاو و ارتباطش با حیات و زایایی برمی‌گردد. در پهلوی نیز، گاو (گئو) به معنی حیات و زندگی، البته، حیاتی مینوی و قدسی است. برخی این تقدس در فرهنگ هندواروپایی را به تغذیه این اقوام از گوزن که ترکیب دیگری از ریشه گئوست؛ به لحاظ استفاده از شیر و پوست و گوشت این حیوانات در دوره‌های سرد، پس از آخرین یخبندان، دانسته‌اند (دورانت، ۱۳۷۰، ۱۰۵). در صورت پذیرش این فرضیه، تقدس نور و خورشید و آتش که مظهر روز و گرما هستند، قابل توجیه است. پیش از زرتشت، مردم پیرو میترا بودند که بزرگ‌ترین خدا میان مردم بود. شاخصه آن، قربانی گاو نخستین است. رمز و راز این قربانی، شکل گرفتن هستی و حیات است. میترا، خورشید نیز می‌تواند باشد که بینش شرقی (نورالانوار) است. میان گاو و ماه نیز رابطه است. گاو شکل تمثیلی ماه، و ماه بنیان هستی است. ماه نیز به نوبه خود، موجب رویش و بالیدن است. گاو، حامل زندگی است. به همین جهت میترا، با کردار قربانی که یک کردار الهی است، رویش و نمو و برکت و هستی را رونق بخشید. قربانی گاو توسط میترا فقط در آیین میتراپی رومی دیده می‌شود (شورتهایم، ۱۳۸۷، ۸۴-۹۲) و در هیچ کجا، از منابع اوستایی و پهلوی به این مورد اشاره نشده است که میترا کشته گاو باشد و برعکس میترا، به عنوان حامی و پشتیبان گاو و دام‌ها و چهارپایان، معرفی شده است. در قربانی آیین رومی، میترا خود عامل گاوکشی است و تفسیرش آن است که زندگی به صورت گسترده در جهان ساری است و قوام می‌یابد و موجب برکات می‌شود. در شرح پلوتارک و دیگر نویسندگان و مورخان باستانی نیز، اشاره‌ای به قربانی گاو توسط میترا نشده است (گاریس، ۱۳۸۸، ۶۹). اما متون پهلوی، از میراندن گاو نخستین که موجب گسترش و سیلان حیات و زندگی می‌شود، توسط اهریمن، ذکری به میان آورده‌اند. چنین عملی که از سوی اهریمن انجام شده است؛ چگونه در آیین میتراپی رومی به صورت مشخصه‌ای بنیادین، به میترا نسبت داده شده است؟ این سوالی است که می‌تواند موضوع تحقیقات آتی قرار گیرد. به هر حال در آثار و منابع ایرانی، نشانه‌ای که حاکی از رابطه میان میترا و قربانی کردن گاو باشد، دیده نمی‌شود.

فلسفه و آیین کشتن گاو توسط میترا

عمل محوری کشتن گاو، یک کارکرد حیات بخش است. مرگ، ایجادکننده یک حیات نو است. در آیین زرتشت، اگر آن گاو، گاو نخستین «گاو سوشیانت» یا «گاو فرشوکرته»^۸ باشد، قربانی کردن آن، عملی اهریمنی است (گاریس، ۱۳۸۸، ۷۱)؛ در حالی که میترا، خدای نور، آفرینش را از خطر تاریکی حفظ می‌نماید. گاو نر در اساطیر سومر، خداوند حیات است، به واسطه او کشتزاران سرسبز شده، همه رستنی‌ها می‌رویند و انسان از او حیات می‌گیرد؛ ایزد وزرا، در فرهنگ آنان به نام «انلیل» خوانده می‌شود. در جزیره کرت، ایزد وزرا با خورشید و حاصلخیزی پیوند دارد، همچنین با مفهوم زور و قدرت، غرش بلند، ویرانگری و زمین لرزه، مرتبط است. میترا در روم، مروج

حالات و پوشش آدمیان در صحنه قربانی

تقریباً همیشه در صحنه قربانی، دو نفر دیده می‌شوند که مثل میترا، به سبک ایرانی لباس پوشیده‌اند و در دو طرف گاو ایستاده و پاها را چلیپاوار روی هم انداخته‌اند و بی‌اعتنا به قربانی بوده، مشارکتی در آن ندارند (تصویر ۴). گاه یکی از آنها «کوتوپاتس» دم گاو را در دست دارد، انگار می‌خواهد از نیروی سحرانگیز گاو، بهره‌مند شود، و یا اینکه رشد خوشه‌های گندم را تسریع کند. در بعضی جاها، این دو نفر، لباس چوپانی، بر تن دارند و چوبی در دست آنها دیده می‌شود. می‌دانیم که چوپانان در تولد میترا حضور داشتند؛ ولی در هر صورت از جنس آتیس^۱ نیستند. یکی از آنها مشعلی واژگونه در دست دارد و دیگری مشعل را مستقیم و رو به بالا به دست گرفته است؛ که کنایه از طلوع و غروب خورشید و ماه، یعنی فروغ زاینده و میرنده، و به عبارت دیگر زندگی و مرگ هستند. آن کس که مشعل روشن در دست دارد، زیر تصویر خدای ماه «لونا» و آن دیگری، زیر تمثال خدای خورشید «سل» قرار گرفته است. نام این دو نفر «کوتس»^۲ و «کوتوپاتس» است. «کوتس» نماد طلوع خورشید و فلق است و «کوتوپاتس» نماد ماه و شفق است. این دو، نماد مرگ و زندگی‌اند، گاه آنان همانند میترا لباس پوشیده و کلاه فریجی به سر دارند (کومن، ۱۳۸۶، ۱۴۳). اغلب محققان، این دو مشعل‌دار به انضمام مهر را ایزدان سه‌گانه میترایایی و یا به عبارت دیگر تثلیث میترایایی می‌نامند. «کوتس» معرف طلوع خورشید صبحگاهی است، میترا، گویای نیمروز و «کوتوپاتس» معرف غروب آفتاب است. خورشید در سه مرحله طلوع، نیمروز و غروب، میترا را مجسم می‌کند، که اعمال و کارهایش را می‌توان به وسیله خورشید دید و احساس کرد. «کوتوپاتس» اغلب به حالت نشسته، ظاهر می‌شود، دست خود را زیر سر قرار داده و غم و اندوه از چهره‌اش آشکار است. تضاد میان «کوتس» و «کوتوپاتس» وجود دارد؛ این موضوع در رنگ محراب آن دو، کاملاً مشخص است، محراب «کوتس» نارنجی رنگ است ولی محراب «کوتوپاتس» آبی رنگ می‌باشد. در بعضی جاها از این دو نفر به عنوان دو خدا یاد شده است. پسودودنی آرئو پاژی^۳ می‌گوید که دو مشعل‌دار و میترا، خدایان سه‌گانه را تشکیل می‌دهند که تثلیث است. تاثیر عقاید نجومی نیز در دین مهری بارز است. وقتی «کوتس»، سرگاو را در بغل دارد، خورشید در برج «ثور» است که مطابق با فصل بهار می‌شود و وقتی عقرب، پهلوی «کوتوپاتس» است، در برج عقرب قرار می‌گیریم؛ که فصل پاییز است. در معبد «سنت پرسیک»، اشاره‌ای به تثلیث شده، به این صورت که مثلث بزرگی از مرمر روی دیوار کنده شده است و مرکز آن دایره‌ای است (شورتهایم، ۱۳۸۷، ۶۷-۶۹). به‌طور کلی می‌توان گفت، این دو مشعل‌دار، آنقدر اهمیت دارند که تصویرشان در تمام معابد دیده می‌شود.

نقش خنجر و گرز در صحنه قربانی

استفاده از خنجر مقدس، نشانه پیروزی خیر بر شر است. این ابزار نمادین فراطبیعی ایزد میترا است که ماموریت الهی خود را به وسیله آن به انجام می‌رساند. چنانکه در تصویر ۴ دیده می‌شود،

معبد خویش می‌آراستند. در این صحنه، میترا به صورت مردی نیرومند، نظیر هرکول، نرمی و طراوت جوانی را به حد کمال داراست. او همچون شاهزادگان شرقی تصویر می‌شود، با نیم‌تنه و شنلی سرخ رنگ که در حال اهتزاز است. میترا حالت باشکوهی دارد. گیسوان پربشان و مجعد و پیراهنی بلند به رنگ آبی سیر در بردارد. کلاهی با راس خمیده، که به کلاه فریجی معروف است، شبیه کلاه کیسه‌مانند درویشان، که گاه به طرف جلو و گاه به طرف عقب برگشته و شبیه کلاه پاپ است که در جشن‌های کلیسا به سر می‌گذارد و اروپاییان آن را کلاه آزادی می‌نامند؛ بر سر دارد. کلاه سرخ رنگ است و گاه گرداگرد آن، پرتو نور خورشید دیده می‌شود (گاریس، ۱۳۸۸، ۶۸). گاه مهر، تنها تاجی از پرتو نور خورشید دارد. او فاتحانه، سوار بر یک گاو نر قوی هیکل به حالت نیم‌خیز زانو زده، انگشت در منخرین گاو انداخته و سر گاو را به نشان قربانی کردن به بالا کشیده و خنجری در کتفش فرو کرده است، از جای خنجر خون می‌جهد و گاهی از جای زخم، خوشه‌های گندم و نباتات روئیده‌اند (اولانسی، ۱۳۸۰، ۲۰). میترا برای انجام فریضه دینی خود گاو را می‌کشد. غباری از اندوه در چهره میترا دیده می‌شود؛ چون کشتن گاو، دل او را به درد می‌آورد؛ ولی چونان یک سرباز، پیام را به گوش جان می‌شنود و آگاه است که مرگ گاو، زندگی دوباره‌ای را نوید می‌دهد. در تمام سنگ نگاره‌ها، میترا از قربانی روی برمی‌گرداند، تا در رنج و درد حیوان قربانی، شرکت نماید. رنج او، رنج قربانی کردن است، همان رنجی که بیننده نیز در آن سهیم است. گاه نیز سر خود را برای احتراز از دیدن منظره خونین برمی‌گرداند. بنابراین هویت میترا، در صحنه قربانی گاو مشخص می‌شود، او آفریننده‌ای است که طبیعت را مجدداً می‌زاید، رهاننده‌ای که در نظام طبیعت مداخله می‌کند، تا خیر و سعادت معنوی برای انسان‌ها به ارمغان بیاورد.



تصویر ۳- نقش برجسته صحنه قربانی میترا که کوتس و کوتوپاتس در دو طرف گاو ایستاده‌اند.

ماخذ: (Cumont, 1903, 22)

نقش حیوانات نمادین در صحنه قربانی (سگ، شیر، عقرب، مار، کلاغ و...)

نزدیک سرقربانی، یک سگ دیده می‌شود که سعی دارد از خون جاری شده از زخم بنوشد. سگ از همراهان میتراست و وظیفه پاسداری از انجام عملیات قربانی را عهده‌دار می‌باشد. او در تصاویر دیگر همچون یاری با وفا، با میترا به شکار می‌رود. سگ، خون گاو را می‌لیسد، تا خواص نیکوی آن را جذب بدن خود کند. سگ در اساطیر جهان، با ماه پیوند دارد. در اروپای پیش از مسیحیت، سگ شکاری را نماد باروری و بهار دانسته‌اند و رومی‌ها از حرکات او، آینده را پیشگویی می‌کردند (وارنر، ۱۳۸۹، ۵۱۸).

در تصویر ۴، ماری میان میترا و گاو ذبح شده قرار گرفته که سر را به طرف ناحیه مجروح بدن گاو می‌کشانند. مار در سنگ برجسته‌ها، همانند اساطیر یونانی، نماد خاک و زمین است. مار، خواص خون گاو را جذب بدن خود می‌کند و از همان گودال زخمی می‌نوشد که «پورفیریوس» آن را پیوند با پرستش مهر، نماد چشمه می‌داند. چشمه‌ای که نه فقط مار، بلکه شیر نیز در سنگ نگاره‌های گوناگون از آن می‌نوشند. مار با لیسیدن خون گاو، یعنی زمین، تمایل خود را به آستن شدن و خیر بشریت آشکار می‌کند. مار را ایرانیان جانوری بدکار می‌دانند، اما برعکس این عقیده، هرودوت می‌گوید: «مار، نزد ایرانیان محترم است، تا جایی که حتی آن را، در زمره انسان، به شمار می‌آورند.» بعضی، مار را نشانه زندگی می‌پنداشتند. مار در

مهر، وظیفه نگهبانی آفریده‌ها و سرکوب شر را دارد و در این راه از خنجر که در نگاره‌های میتراپی، در کشتن گاو نیز از آن استفاده شده، سود می‌جوید. گرز و خنجر، نماد جنگ‌هایی هستند که میترا باید با نیروهای شر داشته باشد. این سلاح‌های مقدس، ابزار دفاع از برکت و زایایی آسمان است که در اساطیر، ابزارهای فراطبیعی و سلاح‌های نمادین بودند (امامی، ۱۳۸۸، ۵-۲۰).

نماد درخت سرو در صحنه قربانی

در یک مورد یعنی تصویری که در رم یافت شده، «کوتس» و «کوتوپاتس» نزدیک درخت کاج نشان داده شده‌اند. چنانکه در تصویر ۴ مشهود است، درختی که همیشه سرسبز است. درخت سرو، نماد میتراست. این درخت منزلگاه خدایان ایرانی بوده و تقدس ویژه‌ای دارد. همچنین نماد اهورامزدا «هورمزد» است. درخت مقدس از طریق ریشه‌هایش، با دنیای زیرزمینی مرتبط است و همین‌طور نماد زمین، بهشت و جاودانگی است. بسیاری از ایزدان رومی، زیر درخت زاییده شده‌اند. درخت کاج، نماد رستاخیز است و نیز پیروزی روشنایی بر تاریکی است. در بین‌النهرین، سرو، ایزد پیشگوی معبد بود و همواره نمادهایی از این درخت را به خاطر قدرت جادویی در معابد نگاه می‌داشتند (وارنر، ۱۳۸۹، ۵۶). تصویر ۴، صحنه قربانی میترا که در آن درخت کاج در کنار «کوتس» و «کوتوپاتس» دو مرد مشعل به دست نشان داده شده است.



تصویر ۴- صحنه قربانی میترا که در آن تصاویر حیوانات نمادین سگ، شیر، عقرب، مار، کلاغ و ... دیده می‌شوند.

ماخذ: (<https://www.britannica.com/topic/Mithraism>)

سر شیر هم در بعضی نگاره‌ها، قابل تشخیص است که گاه بالای کوزه‌ای قرار دارد و گاه در عقب «کوتوپاتس» دیده می‌شود که گاو را می‌راند. گرچه شیر به فراوانی سگ و مار در سنگ نگاره‌ها دیده نمی‌شود، ولی نقش آن حائز اهمیت است. شیر حیوانی با گذشت است و او را دوست انسان می‌دانند. او نماد آتش است و آتش در آیین میترا، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. ژوپیترا، نگهبان و محافظ شیر است. شیر، کنایه از آتش سوزی آخرالزمان نیز هست. آتش، شیر را با میترا و خورشید مرتبط می‌سازد، نیروی پاک‌کنندگی که در دین میترا به آتش نسبت می‌دهند، در واقع تجدیدکننده صفت شیر است که از آن موجودی مقدس می‌سازد. آتش، وظیفه بخور و سوختنی مراسم را نیز داراست (وارنر، ۱۳۸۹، ۵۲۲).

نقش عناصر نجومی در صحنه قربانی

اغلب در بالای سر مهر، یک نگاره خورشید و یک نگاره ماه هم وجود دارند. در برخی از نقوش، دور و بر خدای خورشید، هاله‌ای از نور وجود دارد که پرتوش متوجه میتراست؛ به این شکل رابطه میان خورشید و موکل او (میترا) برقرار می‌شود. خدای خورشید «سل» وابسته و تابع میتراست. میترا، معروف به خورشید شکست‌ناپذیر است؛ پس وظیفه «سل»، انتقال احکام اهورامزدا به میتراست، ایزدماه «لونا» هم مثل ایزد خورشید «سل» در آفرینش، همکاری دارد (گارپس، ۱۳۸۸، ۶۹). ارابه خورشید را اسب‌های آتشین، و ارابه ماه را گاوهای نر می‌کشند. ایزدبانوی ماه اغلب به صورت نیم‌تنه نشان داده شده که تاجی بر سر دارد و در پشت او هلال ماه پیداست. ماه نیروی تصفیه‌کنندگی دارد و این نیرو را به منی گاو منتقل می‌کند؛ ماه نیز شب‌ها بر سلامتی گیاهان تاثیر دارد (رضی، ۱۳۷۱، ۱۷۹ و ۱۸۵-۱۸۹ و ۱۹۹-۲۱۶ و ۲۲۰).

در صحنه قربانی، در نقش برجسته «کلیسای سنت پرسیک» (ساتورن) یا (زروان) خدای زمان، در دست راست خنجر دارد که



تصویر ۵- نقش برجسته میترای - میترا در حال کشتن گاو، قوس بالا نمادهای دوازده‌گانه بروج، بالای قوس و دو طرف صحنه‌هایی از زندگی میترا، خدایان میترای و نمادها، موزه تمدن‌های روم.

ماخذ: (Cumont, 1903, 51)

اسطوره‌های هندی، از باشندگان نیمه ایزدی است که عمل او، خیرخواهانه است. در اساطیر یونان، مار در کنار ایزدان بود و به خاطر اینکه مار، هر سال پوست اندازی می‌کند، نماد تجدید حیات و نوشدگی است. مار، ایزدی است که درمان می‌کند و تقریباً در همه جوامع حضور دارد. با خرد و جوانی و جاودانگی پیوند داشته؛ باروری و ذهن ناخودآگاه را نیز تداعی می‌کند (وارنر، ۱۳۸۹، ۵۳۳).
عقربنی نیز، خود را به قربانی نزدیک کرده، سعی در زهرآگین کردن مایه تولید نسل او را دارد، چنانکه در تصویر ۵ قابل رویت است، عقرب در اینجا نماینده اهریمن است و قصد دارد منبع حیات و زاینده‌گی را از بین ببرد. او وظیفه دارد قبل از ریختن خون گاو به زمین و رویش گیاهان و جانوران، آن را سمی کند. در بندهشن عقرب و مار همچون جانوران بدکار معرفی شده‌اند که فرستادگان اهریمن هستند و چنانچه کسانی این موجودات را از بین ببرند، عمل خیر انجام داده‌اند. پارسیان باور داشتند که منی گاو به کره ماه صعود کرده، در آنجا با عسل پالوده گشته و در مراجعت، زاینده انواع جانوران می‌شود. در مقابل، محققین دیگر معتقدند، عقرب و مار نشانه زمین و تولید نسل اند و از عناصر نیک به شمار می‌آیند و نماینده حیواناتی می‌شوند که از نطفه گاو به وجود می‌آیند. روح گاو پس از کشته شدن، به آسمان می‌رود و از آنجا بر گله‌های دام نظارت می‌کند.

در صحنه قربانی، غالباً کلاغ نیز دیده می‌شود که گاه روی لبه هلالی شکل غار نشسته و گاه در حال پرواز به سوی مهر و گاه بر روی شانه مهر نشسته است (کومن، ۱۳۸۶، ۱۴۵). این پرنده در اسطوره قربانی، منادی اوست و بیکی از سوی خداوند است که حامل پیامی برای میتراست. در بعضی نگاره‌ها، خدا را به وضوح می‌بینیم که سرش را به سمت کلاغ بلند کرده است. ایزد خورشید «سل» به کلاغ حکم کرده تا فرمان کشتن گاو را به میترا بدهد. «اورمزد» یا خورشید، گاه در صحنه حضور دارند. کلاغ، همان «مرکور» است و عنصر آن هواست. کلاغ پرنده خردمندی است. او را پیام‌آور، خبرکننده و راهنما می‌دانند. کلاغ با ایزدان پیوند دارد. همچنین او را پرنده اسرارآمیز می‌دانند که گاه در مقام جاسوس ایزدی ظاهر می‌شود. در آیین مهری، عنوان کلاغ یادآور مراسم قربانی است، همچنان که سالک، وقتی به مرحله تشریف می‌رسد، نقاب کلاغ می‌زند. کلاغ، مبشر میتراست (وارنر، ۱۳۸۹، ۵۱۰). گاه در پایین پای «کوتس»، خروس خروشنده‌ای است. خروس را یونانیان «پرنده ایرانی» می‌نامند که اهریمنان را به آواز خویش می‌راند. یونانی‌ها معتقد بودند که خروس حیوان مقدس ایزد خورشید است که بعدها با «آسکله پیوس» ایزد درمان، پیوند یافت؛ به این ترتیب با خورشید و قدرت‌های حیات بخش مرتبط شد. او در سحرگاه بیدار و مراقب و هشیار است و با قوای ظلمت مقابله می‌کند. وجود خروس در محراب «کلیسای سنت پرسیک»، حائز اهمیت است. خروس در آیین زرتشتیان، جانور مقدسی است که نوع سفید رنگش را به اهورامزدا و میترا هدیه کرده‌اند. می‌گویند غسل تعمید را هنگام خروس خوان باید انجام داد، زیرا صدای خروس، شیطان را دور می‌کند و می‌راند (وارنر، ۱۳۸۹، ۵۰۸) (زمردی، ۱۳۸۵، ۵۵).

صحنه قربانی گاو، اساساً به منظور نمایش گروهی از صور فلکی پدید آمده است. این واضح است که نمادپردازی نجومی، نقش مهمی در میترائیسم ایفا می‌کند. علائم منطقه البروج و نماد سیارات که نشانه‌های عناصرند، بارها به روی نگاره‌های موزاییک، نقاشی و نقش برجسته معابد مهری، ظاهر شده‌اند. منطقه البروج، بالای صحنه گاوکشی، گاه به صورت قوسی کامل قابل مشاهده است. نیم‌تنه‌هایی که معرف ماه و خورشید هستند نیز اغلب در گوشه‌ی فوقانی دیده می‌شوند. نقش خورشید با شعاع‌های نوری که از او ساطع می‌شوند و نقش ماه، با یک هلال قابل تشخیص است. ماه و خورشید در تصاویر جانبی هم دیده می‌شوند. نقش خورشید با شعاع‌های نوری که از او ساطع می‌شوند، با یک هلال قابل تشخیص است. ماه و خورشید در تصاویر دیده می‌شوند که سرگرم فعالیت‌های گوناگون‌اند. «پورفیری» نوافلاطون‌گرای قرن سوم بیان می‌دارد که صحنه‌های میترا، به گونه‌ای طراحی شده‌اند که همانند غار، به نظر برسند؛ چرا که غار انگاره‌ای از «کیهان» را تداعی می‌کند. او این احتمال را نیز مطرح می‌کند که محرابه‌ها، به عنوان رصدخانه نجومی کاربرد داشته‌اند. سوراخ‌هایی که در دیوارها و سقف معابد وجود دارند نیز می‌توانند به منظور خاصی، طراحی شده باشند؛ و اضافه می‌کند، ناحیه اعتدالی، به عنوان مقر مناسبی برای میتراس در نظر گرفته شده است. او حامل خنجر، برج حمل «علامت مشخصه مارس» است، در حالی که سوار بر گاو «ثور» می‌باشد؛ که خاص ونوس است. میتراس به عنوان آفریدگار و سرور آفرینش، در منطقه استوایی آسمانی است، به طوری که شمال، در سمت راست و جنوب در سمت چپ او قرار دارد. در صور فلکی دبران (درخشان‌ترین ستاره، در صور فلکی ثور) و قلب العقب، پنج ستاره، مشاهده می‌کنیم. این صور فلکی پنج حیوانی هستند که در صحنه «تاورکتونی» حضور دارند؛ یعنی (گاو، سگ،

به میترا می‌دهد و در برخی نگاره‌های دیگر، خدای امواج اقیانوس «نپتون»، حضور دارد. پس از کشتن گاو، مهر با پیروان خود بزمی ترتیب می‌دهد و سپس سوار بر ارابه چهار اسبه خود به آسمان عروج می‌کند، تا زمانی که برای از بین بردن اهریمن در آخرالزمان ظهور کند (رضی، ۱۳۷۱، ۲۳۵).

رابطه حیوانات صحنه قربانی با صور فلکی

در سال ۱۸۶۹، پژوهشگری آلمانی به نام «کا.ب. اشتارک»، برای «تاورکتونی» (گاوکشی) تفسیری متفاوت ارائه کرده که محققین دیگری از جمله «فرانتس کومن» که واکاوی و شرح نظریاتش پیش از این گفتار آمده، آن فرضیه را رد کرده‌اند؛ با این وجود، در دهه‌های گذشته، پایه مکتب جدیدی در تفکرات میتراپی قرار گرفته است. به عقیده «اشتارک» نگاره‌های «تاورکتونی»، نمایانگر، اشخاص و حیوانات اساطیری نیستند، بلکه مجموعه‌ای از ستارگان و صور فلکی می‌باشند و بهتر بگوییم نقشه ستارگان هستند (ورمارزن، ۱۳۸۱، ۱۹۲). او معتقد است نقوش همراه میترا در «تاورکتونی»، چنانکه در تصویر ۶ دیده می‌شود نظیر گاو نر، عقرب، سگ، مار، کلاغ، شیر، پیاله؛ هر یک هم‌تا و نظیری در میان صور فلکی دارند و همگی با هم در زمانی معین از سال، قابل رویت هستند؛ گاو، همتای آسمانی «ثور»، عقرب، همتای آسمانی «عقرب»، سگ، همتای آسمانی «کلب اصغر»، مار همتای آسمانی «شجاع»، شیر، همتای آسمانی «اسد»، جام، همتای آسمانی «باطیه» و خوشه گندم، همتای آسمانی «سنبله»، درخشان‌ترین صورت فلکی است؛ که اغلب در نقوش گاوکشی، از دم گاو روییده است و به زبان فارسی «سماک اعزل» نامیده می‌شود. به نظر «اشتارک»، این همتاهای صور آسمانی نمی‌توانند اتفاقی باشند و



تصویر ۶- نبرد شیر و گاو نر، پلکان شرقی آپادانای تخت جمشید.

ماخذ: (شاپور شهبازی، ۱۳۸۴، ۱۰۸)

نشانه گاو می‌داند. هر یک از آیین‌های مهر، از جمله قربانی، تحت سرپرستی یکی از ستارگان انجام می‌شد و آگاهی از زمان طلوع و غروب آن ستاره، چگونگی فدیة، به ایزدان موکل آنان را، تعیین می‌کرد (گاریس، ۱۳۸۸، ۶۸) (رضی، ۱۳۷۱، ۱۴۶).

در تفسیر صحنه قربانی، پژوهشگران زیادی نظریه‌پردازی کرده‌اند ولی با تمام اختلاف نظرها، همگی بر این باورند که «تاورکتونی»، صحنه رستگاری است، واقعیتی مورد توجه و باور مومنین که دستیابی به نجات با بهره‌گیری از خون ازلی و پیوستن به خدا در ابدیت را، به دنبال خواهد داشت.

قربانی، یکی از معروف‌ترین مناسک دینی و مذهبی در طول تاریخ است که در اکثر ادیان وجود دارد. مناسک قربانی، اعمالی است که انسان با یک سلسله اعمال، هدایایی به پیشگاه خدایان تقدیم می‌نماید (پازارگاد، ۱۳۴۶، ۶). قربانی انواع مختلفی دارد؛ که از جمله قربانی انسانی، حیوانی، گیاهی، غذایی، مشروباتی، و ... هستند. «قربانی خونی»، بخشی از مناسک قربانی بوده و در آن انسان یا حیوانی به خدایان تقدیم می‌شده است.

مار، کلاغ، عقرب) و همگی تاکید بر واقعیت نظم و ترتیب داشته، ما را به اهمیت نجوم در این آیین واقف می‌سازند (اولانسی، ۱۳۸۰، ۴۵-۵۲).

مشعل داران میترا، که در صحنه قربانی گاو همراه او هستند را می‌توان نماد اعتدالین دانست. «کوتس» با مشعل فروزان که در راستای سرگاو است؛ اعتدال بهاری در برج «ثور» را نشان می‌دهد و «کوتوپاتس» با مشعل رو به پایین و هم راستا با کژدم، معرف اعتدال پاییزی است. به این ترتیب مشعل داران، نمایان‌گر اعتدالین در «ثور» و «عقرب» هستند. «آله ساندری بوسانی»^{۱۲}، اعتدال بهاری و پاییزی عقرب و ثور را بازمانده نماد کهن شیر و گاو در خاور نزدیک عهد باستان می‌داند، که در آن شیری، در حال کشتن گاو تصویر شده است و بیانگر یک تحول تقویمی است؛ به گونه‌ای که صورت فلکی ثور را هنگام افول، ترسیم می‌نماید. زمان کشتن نمادین ثور نشان می‌دهد که صورت فلکی اسد، به بالاترین وضعیت خود در آسمان رسیده است. لازم به ذکر است که نبرد شیر و گاو، همان نبرد میترا و گاو است. (اینسلر)^{۱۴} تاورکتونی را، مرگ نهایی زمستان با

نتیجه

یک همتا و نظیری در میان صور فلکی دارند و همگی با هم در زمانی معین از سال، قابل رویت هستند؛ گاو، همتای آسمانی «ثور»، عقرب، همتای آسمانی «عقرب»، سگ، همتای آسمانی «کلب اصغر»، مار همتای آسمانی «شجاع»، شیر، همتای آسمانی «اسد»، جام، همتای آسمانی «باطیه» و خوشه گندم، همتای آسمانی «سنبله»، درخشان‌ترین صورت فلکی است که اغلب در نقوش گاوکشی، از دم گاو روییده است.

۳- برخی آیین گاوکشی میترا را، رستگاری تعبیر می‌نمایند. دیوید اولانسی معتقد است که به هر گونه که توجیه شود، واقعیتی که مورد توجه و اعتقاد مومنین آیین میترا بوده، همان دستیابی به نجات به وسیله قربانی و بهره گرفتن از خون ازلی و همسان شدن با خدا در این ابدیت است.

۴- بعضی دیگر منشا برکت و حیات تعبیر می‌کنند. هینلز معتقد است که نیروهای خیر (= سگ) و نیروهای شر (= کژدم) بر سرچشمه حیات، یعنی خون و نطفه زندگی بخش گاو، می‌جنگند اما پیروزی خیر در به دست آوردن زندگی که به صورت غله‌ای است که از دم گاو قربانی شده محتضر سبز می‌شود، محقق می‌گردد.

حادثه قربانی گاو به دست میترا، مهم‌ترین نکته در آیین میترا است. این صحنه در تمام عبادتگاه‌های کشف شده آیین میترا تکرار می‌شود. همه چیز با قربانی آغاز می‌شود. سنگ نگاره‌ها به عنوان اصلی‌ترین مدارک این آیین، صحنه‌های متعددی را به نمایش می‌گذارند که توسط محققین و نظریه‌پردازان مورد تحلیل و تفسیر قرار گرفته است. با توجه به نظرات مختلف پژوهشگران در تفسیر صحنه قربانی میترا و نمادهای موجود در آن، پژوهشگران زیادی نظریه‌پردازی کرده‌اند که هر کدام به دلیل نمادین بودن آن، تعبیر و تفسیر ویژه‌ای نموده‌اند که اصلی‌ترین آنها به شرح زیر می‌باشد:

۱- برخی از محققان مثل کریستن سن و لوازی از این ملاحظات نتیجه گرفته‌اند که میترا می‌خواسته با گاو وحدت عرفانی برقرار کند.
۲- به عقیده «کا.ب. اشتارک»، نگاره‌های «تاورکتونی»، نمایان‌گر اشخاص و حیوانات اساطیری نیستند، بلکه مجموعه‌ای از ستارگان و صورت فلکی می‌باشند و به بیان بهتر نقشه ستارگان هستند. نقوش همراه میتراس در «تاورکتونی»، چنانکه در تصویر ۶ دیده شد، نظیر گاو، عقرب، سگ، مار، کلاغ، شیر، بیاله؛ هر

پی‌نوشت‌ها

4 Adonis.
5 Neuenheim.
6 Ahri-manus.

1 Tauroctony.
2 Kor.
3 Attis.

تهران

رضی، هاشم (۱۳۷۱)، آیین مهر میترائیسم، نشر بهجت، تهران
 ریگ ودا (۱۳۴۸)، گزیده سرودها، ترجمه جلالی نائینی، تابان، تهران
 زمردی، حمیرا (۱۳۸۵)، نقد تطبیقی ادیان و اساطیر، چاپ دوم، نشر
 زواره، تهران
 شاپور شهبازی، علیرضا (۱۳۸۴)، راهنمای مستند تخت جمشید، بنیاد
 پژوهشی پارسه- پاسارگاد، شمیران، تهران.
 شفیع، مولانا مفتی محمد (۱۳۸۷)، تاریخ قربانی و حقیقت و اهمیت آن،
 ترجمه محمد امین حسینی بر، احمد جام، تربت جام.
 شورتهایم، المار (۱۳۸۷)، گسترش یک آیین ایرانی در اروپا، ترجمه نادرقلی
 درخشانی، نشر ثالث، تهران.
 عفیفی، رحیم (۱۳۷۴)، اساطیر و فرهنگ ایران، در نوشته های پهلوی،
 انتشارات توس، تهران
 فریزر، جیمز جورج (۱۳۸۷)، شاخه زرین، ترجمه کاظم فیروزمند، چاپ
 پنجم، نشر آگاه، تهران
 گاریس، راجر (۱۳۸۸)، درآمدی بر میترائیسم، ترجمه طیبه رسول زاده،
 ثریا، تهران.
 کومن، فرانسیس (۱۳۸۶)، دین مهر، ترجمه احمد آجودانی، نشر ثالث، تهران.
 وارنر، رگس (۱۳۸۹)، دانشنامه اساطیر جهان، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل
 پور، نشر اسطوره، تهران.
 ورمازن، مارتین (۱۳۸۱)، آیین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، چاپ هفتم،
 نشر چشمه، تهران.

Cumont, Franz (1956), *The Mysterious of Mithra*, Dover Publications, New York.

https://commons.wikimedia.org/wiki/File:Neuenheimer_Mithraeum.jpg

<https://www.britannica.com/topic/Mithraism>

7 Gao.

9 Cautopates.

10 Atis.

11 Cautes.

12 Pseudo Denid L'Areopagite.

13 Alessandro Bausani.

14 Insler.

۸ گاو آخرالزمان در دین زرتشت.

فهرست منابع

الیاده، میرچا (۱۳۸۵)، رساله در تاریخ ایران، ترجمه جلال ستاری، چاپ
 سوم، انتشارات سروش، تهران.
 امامی، حسن (۱۳۸۲)، تجلی میترائیسم در شاهنامه، ادبیات و علوم
 انسانی (دانشگاه بیرجند)، شماره ۳، صص ۵-۲۰.
 اوپانشاد (۱۳۶۸)، ترجمه محمد دارا شکوه، به اهتمام تارا چند؛ جلالی
 نائینی، علمی، تهران.
 اوستا (۱۳۸۷)، کهن ترین سرودها و متن های ایرانی، گزارش و پژوهش
 جلیل دوستخواه، چاپ دوازدهم، مروارید، تهران.
 اولانسی، دیوید (۱۳۸۰)، پژوهشی در میتراپرستی، ترجمه مریم امینی،
 چاپ سوم، نشر چشمه، تهران.
 بیتس، دانیل (۱۳۷۵)، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی،
 انتشارات علمی، تهران.
 پازارگاد، بهاءالدین (۱۳۴۶)، تاریخ و فلسفه مذاهب جهان، اشراقی، تهران.
 جلالی نائینی، محمد رضا (۱۳۷۵)، هند در یک نگاه، نشر شیراز، تهران.
 دورانت، ویل (۱۳۷۰)، تاریخ تمدن، ج ۱، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی،